



صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ

نقره‌آبی

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
 ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰.۰۰۰ ریال

روی جلد: یکی از صفحات مذهب قرآنی مملوکی

(جزء چهارم، گ ۲، نسخه ۱۴۶۴ کتابخانه چستربیتی،

تذهیب ابراهیم الأمدی)

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

فهرست

سر سخن

وفیات الاعیان ۵-۳

یادیه از دگردشتگان

- خدمات استاد احسان یارشاطر به معارف ایرانی و اسلامی / محمود امیدسالار ۱۰-۶
- فهرست‌های شاهان هخامنشی در آثار بیرونی و ابن عبری / احسان یارشاطر: ترجمه: نیما جمالی ۱۷-۱۱
- ایران‌شناسان و ایران‌دوستان غیرایرانی / احسان یارشاطر: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۳۶-۱۸
- استاد ژیلبر لازار (۱۹۲۰-۲۰۱۸) و تحقیقات او در زبان‌های ایرانی / علی‌اشرف صادقی ۴۶-۳۷
- خاطراتی از استاد ژیلبر لازار، خدمتگزار راستین زبان فارسی / ژاله آموزگار ۴۹-۴۷
- حکایتی به زبان فارسی محلی گیو (منطقه بیرجند) / ژیلبر لازار: ترجمه: سید محمدحسین مرعشی ۵۷-۵۰
- ملاحظاتی در باب سبک ترجمه‌های کهن قرآن و کتاب مقدس / ژیلبر لازار: ترجمه: ستایش دشتی ۶۱-۵۸
- شوقی شرقی در قلبی غربی: نگاهی کوتاه به زندگی، افکار و آثار لئونارد لویسن ایران‌شناس و مولاناپژوه
 آمریکایی / مجدالدین کیوانی ۶۹-۶۲
- مرگ تن هدیه‌ست بر اصحاب راز؛ یادمانده‌هایی از لئونارد لویسن / الوند بهاری ۷۲-۷۰
- شرح حال و آثار محمد شیرین مغربی / لئونارد لویسن ۸۰-۷۳

جستار

- داغ باز آوردن؛ تصحیح یک رباعی سنایی / سید علی میرافضلی ۸۳-۸۱
- خیام و ترجمه تعلیقات ابن سینا به پارسی / سید حسین موسویان ۸۹-۸۴
- از لزومیات ابوالعلاء معری به انتخاب ابن السید بطلیبوسی / علیرضا ذکاوتی فراگوزلو ۱۱۰-۹۰
- موقوفات محمودشاه مظفری بر بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی بر پایه سند مورخ ۷۴۸ق / عمادالدین
 شیخ‌الحکمایی ۱۱۸-۱۱۱
- آگاهی‌هایی تازه از زندگی نجم‌دایه در نسخه‌ای از تفسیرش، بحر الحقایق، با یادداشتی به خط خود او /
 علی صفری آق‌قلعه ۱۲۸-۱۱۹
- برگی از تاریخ ۳: سواد نامه امیرنظام به وکیل‌الملک حاکم کرمان و شکایت از یک کاتب و محرر /
 محمدجواد جدی ۱۳۱-۱۲۹

نقد و بررسی

- مقالات احمد تفضلی / سید احمدرضا قائم‌مقامی ۱۴۰-۱۳۲
- کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان / بهمن مرادیان ۱۴۶-۱۴۱

ایران در متون و منابع عثمانی (۱۸)

- آثار نوری ابراهیم / نصرالله صالحی ۱۴۹-۱۴۷



کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان

بهمن مرادیان

پژوهشگر، مرکز پژوهشی بندش
bondahish@gmail.com

Les livres de l'Avesta, textes sacrés des Zoroastriens. Pierre Lecoq. Paris: Cerf, 2016.

گوش سیوند به‌عنوان رساله دکتری (۱۹۷۴ میلادی) برداشت. پس از آن برای ادامه تحصیلات به پاریس رفت و در همانجا بود که وارد نظام آموزشی دانشگاه شد و در چندین دانشگاه پاریس به آموزش دروس مختلف مربوط به زبان‌های ایرانی پرداخت. از جمله این دانشگاه‌ها می‌توان به مدرسه موزه لوور، دانشگاه پاریس سه، مدرسه کاربردی مطالعات عالی و مؤسسه ملی زبان‌ها و تمدن شرقی^۲ اشاره کرد که لوکوک در آنها دروسی مانند زبان اوستایی، فارسی میانه کتابی، کتیبه‌های هخامنشی و زبان‌شناسی زبان‌های ایرانی را تدریس کرده است. او در این مدت چندین کتاب و مقاله در مورد زبان‌های ایرانی منتشر کرد. عنوان آخرین کتاب او را، که موضوع این معرفی است، می‌توان به «کتاب‌های اوستا: متون مقدس زرتشتیان» ترجمه کرد. این کتاب را انتشارات Cerf منتشر کرده است که در سال ۱۹۲۹ میلادی بنیان نهاده شده و یکی از قدیمی‌ترین ناشران در زمینه مطالعات ادیان است.

لوکوک کتاب را، علاوه بر همسرش و جامعه زرتشتیان، به ژاک دوشن‌گیمن (۱۹۱۰-۲۰۱۲ میلادی)، اولین استادش در مطالعات ایرانی، پیشکش کرده است. در اینجا خوب است یادآوری کنیم که یکی دیگر از دانشجویان دوشن‌گیمن نیز

در سال‌های دانشجویی که در مدرسه کاربردی مطالعات عالی پاریس (École Pratique des Hautes Études) در کلاس‌های درس اوستایی پیر لوکوک حاضر می‌شدم، گاهی که می‌خواست کاربرد واژه‌ای را در متنی غیر از متنی که در حال بررسی بود نشان دهد، از کیفیت برگه‌هایی سیمی شده بیرون می‌آورد و متن مورد نظر را در آنها پیدا می‌کرد. چندین بار به این نکته اشاره کرد که این مجموعه ترجمه‌اش از کل اوستاست و هنگامی که بازنگری آن کامل شود، آن را چاپ خواهد کرد. از همان زمان همواره منتظر انتشار این مجموعه بودم تا اینکه در نیمه‌های سال ۱۳۹۶ خورشیدی (۲۰۱۷ میلادی) خبر انتشار کتاب آمد و در مدت کوتاهی خود کتاب به دستم رسید. در این نوشته تلاش می‌کنم که حجم ۱۳۶۶ صفحه‌ای این کتاب را مرور کنم.^۱

پیر لوکوک، ایران‌شناس بلژیکی تبار، اولین قدم‌های ورود به دنیای ایران‌شناسی را در دانشگاه لیژ بلژیک و با بررسی

1. École du Louvre, Université de Paris III, École Pratique des Hautes Études (EPHE), Institut National des Langues et Civilisation Orientales (INALCO).

۱. در اینجا لازم است از دکتر احمد رضا قائم‌مقامی که زحمت خواندن و بازبینی این نوشته را پذیرفتند تشکر کنم.

استاد مطالعات ایرانی در معروف‌ترین مؤسسه تحقیقاتی پاریس، کلژ دُ فرانس (Collège de France)، شد و شهرتی بیش از لوکوک به دست آورد. او ژان کلنز است. نخستین موضوعی که در این کتاب توجهم را جلب کرد این بود که لوکوک اغلب به‌طور غیرمستقیم نظرهای کلنز را به چالش می‌کشد. نخستین نمونه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد همین عنوان کتاب است. عنوانی که در آن «کتاب‌های اوستا» آمده است و در حقیقت معادلی است برای همان عنوانی که کارل فردریش گلدنر بر تصحیح اوستای خود گذاشت، یعنی «اوستا، کتاب‌های مقدس پارسیان»^۱ و منظور از آن مجموعه‌ای از «کتاب‌ها» است که عنوان‌های یسن، یشت، وندیداد، ویسپرد و خرده‌اوستا برای آنها در نظر گرفته شده‌اند. پیر لوکوک هم همین عنوان‌ها و تقسیم‌بندی را رعایت کرده است. ترتیب او در ترجمه متون به این صورت است: یشت‌ها، یسن‌ها، وندیداد، ویسپرد، خرده‌اوستا، متون کوتاه و «پاره‌ها». اما کلنز این تقسیم‌بندی معروف را به هم زده و اوستا را زیر دو عنوان «سرودهای مربوط به مراسم طولانی» (Récitatif de la liturgie longue) و «مجموعه سرودهای مربوط به مراسم‌های کوتاه» (Recueil des liturgies brèves) (KELLENS, 1998: 453-466) تقسیم کرده است. منظور از این دو عنوان یکی سرودهایی است که در گونه‌های مختلف مراسم یسن‌خوانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، که شامل یسن‌ها و ویسپرد و وندیداد است، و دومی سرودهایی که برای مراسم کوتاه کاربرد داشته است، که شامل خرده‌اوستا و یشت‌ها می‌شود. کلنز اساس این تقسیم‌بندی را بر متون موجود در دست‌نوشته‌ها نهاده است.

پیش‌گفتار و مقدمه ۳۱۷ صفحه‌ای را باید بخشی بسیار مهم از کتاب پیر لوکوک دانست. او مجموعه‌ای از عناوین مربوط به زبان‌ها، فرهنگ و تاریخ دوره‌های باستان و میانه زبان‌های ایرانی را شرح داده است تا به‌قول خودش «تمام مواردی را که برای انسانی که تمدن امروزی را فراگرفته نآشناست» (ص ۱۲) توضیح داده باشد. مقدمه شامل پیش‌گفتاری دو صفحه‌ای، «راهنمای آوانویسی واژه‌های

1. Avesta, the Sacred Books of the Parsis, 3 vol., Stuttgart, 1889-1896.

اوستایی»، «نشانه‌های اختصاری برای متون اوستایی»، «نام متون مهم پهلوی»، و «نام‌های ایزدان و واژه‌های پرکاربرد اوستایی» است.

در پیش‌گفتار دو صفحه‌ای، مؤلف ابتدا بسیار خلاصه به کلیاتی درباره اوستا و سپس به روش کار و بخش‌های کتاب پرداخته است. مهم‌ترین موضوع این بخش پرداختن به چگونگی ترجمه اصطلاحات و واژه‌های خاص مربوط به اوستا و نام ایزدان (ص ۱۱-۱۲) است. راه حل او ترجمه نکردن این واژه‌ها و نام‌های خاص و آوانویسی آنها در متن ترجمه به حروف کج (ایتالیک) است.^۲ او خواننده را برای دانستن مفهوم و تعریف آنها به مقدمه، توضیحات و پیوست‌ها ارجاع داده است. برای نمونه، در متن ترجمه، واژه‌هایی مانند *ābravan, mairya, ahura mazdā, aša.vahišta, vərəθraγna* و *ašavan* (ص ۵۳۳-۵۳۸) به همین شکل آوانویسی شده‌اند. در بخش بعدی این مقدمه، در یک صفحه، نام سیزده متن فارسی میانه کتابی برشمرده شده است که از یک سو علت وجود آن نیاز به توضیح بیشتری دارد و از سوی دیگر حداقل متن یادگار زیران از قلم افتاده است (ص ۱۷).

پس از این، در بخش دیگر، به چگونگی روش آوانویسی نام‌های خاص و اصطلاحات در متن ترجمه پرداخته شده و خاطر نشان شده که روش جدید هوفمان-فورسمان (HOFFMANN-FORSSMAN, 2004: 41) را که به نظرش «بی‌شک دقیق‌تر، اما از نظر خواندن مشکل‌تر است و کاربرد آن هم جای بحث دارد» (ص ۱۳-۱۴)، مورد استفاده قرار نمی‌دهد و از همان روش بارتولومه (BARTHOLOMEA, 1904: xiii) پیروی می‌کند.

بخش بعدی «نام‌های ایزدان و واژه‌های پرکاربرد» است در دو صفحه. لوکوک ابتدا شکل اوستایی و سپس، در میان دو کمانک، شکل فارسی میانه کتابی بیست‌وهفت واژه را آوانویسی کرده و در برابر آنها ترجمه یا توضیحی آورده است،

۲. کلنز ابتدا نظرش بر این بود که به این علت که اصطلاحات و نام‌های خاص بخشی از محتوای متن هستند باید ترجمه شوند تا فهم بهتری از متن به دست دهند (KELLENS, 2006: 5)، اما بعد نظرش را «حداقل در مورد نام‌هایی که از نظر ریشه‌شناسی نامشخص هستند، مانند رشن، یا مشکل فنی دارند، مانند تشر، یا آوردن خود نام قابل فهم‌تر است، مانند اهوره مزدا به جای «سرور متوجه» یا میتره به جای «قرارداد»، عوض کرد و آن نام‌ها را در متن آوانویسی کرد (ibid: 6).

بپردازد که اگر نه درباره همه، درباره بیشتر آنها عبارت «یکی از مشکلات بزرگ دین‌شناسی مزدیسنی» (ص ۶۹) صدق کند. او در برابر بیشتر تعریف‌هایی که در مقدمه می‌آورد، به متن و بند اوستا هم ارجاع می‌دهد؛ برای نمونه، در بخش مربوط به انگره‌مینو (اهریمن) آن را اینگونه تعریف می‌کند:

نمونه عالی دروغگویی است (یسن ۱، ۲۷) که همه چیز را نابود می‌کند (یشت ۱، ۱۹؛ ۱۳، ۷۱)، زیرا منشأ مرگ است (یشت ۳، ۱۳)، در میان دیوان دروغگوترین است (یشت ۳، ۱۳) [...] جادوگران (یشت ۳، ۵؛ ۸، ۳۹)، حشرات موزی یا هیولاها (یشت ۱، ۲۱؛ یسن ۵، ۲۸؛ ۵؛ وندیداد ۱۶، ۱۲) همراه اویند. (ص ۶۹)

این روش بر دقت تعریف‌ها می‌افزاید، اگرچه گاهی جمله‌ها در انبوهی از ارجاع گم می‌شوند. نویسنده در برخی موارد به کتیبه‌های هخامنشی، متون فارسی میانه کتابی و حتی کتیبه‌های ساسانی هم ارجاع می‌دهد.

لوکوک به واسطه آشنایی با ادبیات کلاسیک غرب، در بخش عمده‌ای از مقدمه، نقل قول از تاریخ‌نویسان یونانی از جمله گزنفون، هرودوت و استرابون را فراموش نمی‌کند. همچنین همواره به معادل‌های بحث‌مورد نظر در متون هندی هم توجه کرده است و هرگاه لازم بوده بر اساس این متون نیز تعریفی از مفاهیم دینی آورده است. در بخش‌هایی که امکان داشته، به‌ویژه در مورد مراسم دینی و عبادی، موضوع را تا دوران معاصر نیز دنبال کرده و در این مورد ارجاع او غالباً به آثار دارمستتر (DARMESTETER, 1892-1893) و مودی (MODI, 1937) است، اما تسلط او بر این موضوعات آنقدر هست که علاوه بر سنت‌ها و اصطلاحات دینی پارسیان هند، به سنت‌ها و اصطلاحات زرتشتیان ایران نیز اشاراتی بکند و برای نمونه به اصطلاح نوجوت (nājot) در بین پارسیان هند و اصطلاح «جشن سدره‌پوشی» در بین ایرانیان (ص ۱۶۸) توجه دهد.

لوکوک در این مقدمه روشی برگزیده که در آن، هنگام تجزیه و تحلیل، از آوردن و بررسی نظرهای موافق و مخالف ایران‌شناسان درباره آن موضوع خوداری می‌کند. به‌جز یک مورد که نام کارل هوفمان (ص ۵۶) را بدون ارجاع دقیق می‌آورد، در بقیه موارد بیشتر بر تعریف و تجزیه و تحلیل موضوع از نظر خود تمرکز می‌کند، بدون اینکه درگیر ارجاع و آوردن

اما در هیچ کدام از موارد توضیحی ریشه‌شناختی نیاورده است. برای برخی تنها به یک ترجمه بسنده کرده، مانند «فرمان‌برداری» (srōš) sraoša (ص ۱۹) یا ترجمه را با توضیحی همراه کرده است، مانند «امراه‌مزد» (amahraspandān) spanta aməša (ص ۱۹) یا بدون ترجمه فقط توضیحی آورده است، مانند «همانجا»، یا بدون ترجمه فقط توضیحی آورده است، مانند «خدای بزرگ ایرانیان» (ohrmazd) ahuramazda (ص ۱۹) یا برعکس «ahura mazda یا mazda» (همانجا). لوکوک در پایان این بخش، نام چهار ذکر یا نماز معروف، خلاصه‌ای از ترتیب مراحل تاریخی ایران از ورود آریایی‌ها تا پادشاهی ساسانی و نیز نام دوره‌های زبان‌های ایرانی را آورده است که البته با عنوان بخش همخوانی ندارد (ص ۲۰).

اما بخش اصلی مقدمه، شامل ۳۰۳ صفحه، بخش مهم و بسیار مفید این کتاب است، مقدمه‌ای که از نظر موضوعی بخش گسترده‌ای از موضوعات مربوط به دوره باستان و میانه زبان‌های ایرانی را در بر می‌گیرد و در آن به موضوع اصلی کتاب، یعنی اوستا، بسنده نشده است. این مقدمه شامل ۹ عنوان اصلی و ۳۷ عنوان فرعی است به شرح زیر:

۱. دین ایرانی و اوستا در اروپا؛
 ۲. متون اوستا (زبان اوستایی، خط، محتوای متن اوستا، ورود اوستا به ایران، انتقال و تثبیت اوستا، جغرافیای اوستا)؛
 ۳. خدایان و دیوان (اهوره‌مزدا، امشاسپندان، انگره‌مینو، خدایان بزرگ، خدایان کوچک، دیوان)؛
 ۴. قهرمانان و موجودات افسانه‌ای؛
 ۵. زرتشت؛
 ۶. باورها (تصور طبقات سه‌گانه، دوگانگی، عقاید زروانی، کیهان‌شناسی، مردم‌شناسی، فرجام‌شناسی)؛
 ۷. آیین‌ها (یسن، هوم، آتش، قربانی، سدره‌پوشی، طهارت، مراسم کفن و دفن، جشن‌ها و گاه‌شماری، موبدان، اجتماع، ازدواج)؛
 ۸. سرگذشت دین مزدیسنی؛
 ۹. مقدمه‌ای بر متون (یشت‌ها، یسن‌ها، وندیداد، ویسپرد، خرده‌اوستا، سی‌روزه، متون کوتاه، پاره‌ها)؛
- در پایان این بخش کتاب‌نامه‌ای نیز افزوده شده است. در این بخش، پیر لوکوک سعی کرده است به موضوعاتی

نظریه‌های مختلف شود. البته اغلب به‌طور غیرمستقیم نظرش را درباره نظریه‌های دیگر بیان می‌کند. برای نمونه، با جمله‌ای کوتاه در بخش مربوط به خط اوستایی، نظریه هوفمان-فورسمان را (HOFFMANN-FORSSMAN, 2004: 50) در مورد منشأ گرفتن شکل اوستایی ϵ از شکل یونانی اپسیلون ϵ رد می‌کند: «در پایان باید از هر نوع تأثیر خط یونانی صرف نظر کرد» (ص ۴۵). همچنین در بخش مربوط به اهوره مزدا (ص ۶۰) بر «خلقت، به‌عنوان خویش‌کاری اصلی اهوره مزدا» تأکید می‌کند و البته با احتیاط به این نکته اشاره می‌کند که به‌روشنی نمی‌توان گفت که این خلقت «از هیچ» (ex nihilo) و به یک‌باره است یا «نظم دادن به موادی که نامخلوق و بی‌نظم بوده‌اند» و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند که حداقل در اوستا «روش خلقت روشن نشده است» (ص ۶۰).^۱

نمونه دیگر این روش لوکوک را می‌توان در بخش مربوط به «زرتشت» (ص ۱۱۷) دید که بررسی آن خود مقاله‌ای مستقل می‌طلبد. اما به‌طور بسیار خلاصه باید گفت که در این بخش هم او بدون ارجاع به نظر «برخی» به رد آن نظر می‌پردازد، و به نظر نویسنده این یادداشت در این بخش به‌خوبی توانسته است نظریه خود را ارائه دهد و به‌طور غیرمستقیم نظر کلنز را به چالش بکشد.

مقدمه بسیار مفصل و جالب پیر لوکوک به کتاب‌نامه موضوعی ختم می‌شود که در دوازده صفحه، زیر عنوان‌های منابع عمومی، اوستا در اروپا، متون اوستا، خدایان و دیوان، قهرمانان و موجودات افسانه‌ای، زرتشت، باورها، مراسم، سرگذشت دین مزدیسنی، و مقدمه‌ای بر متون (یشت‌ها، یسن‌ها، گاهان و هفتن‌هایتی، ونیدداد، ویسپرد، خرده‌اوستا، سی‌روزه، متون کوتاه، پاره‌ها)، مجموعه‌ای از کتاب‌های مربوط به هر موضوع را نام برده است. هر چند این بخش بسیار ارزشمند است، اما در نگاهی

۱. این در حالی است که کلنز در مقاله‌ای با عنوان «اهوره مزدا خدای آفریننده نیست» (KELLENS, 1989) با ارجاع به اوستای کهن و تأکید بر معنی *dā* «گذاشتن، قرار دادن» به‌جای معنی دیگر *dā* «دادن (آفریدن)»، به این نتیجه می‌رسد که «با توجه به بررسی تمامی موارد استعمال فعل *dā* در اوستای کهن، هیچ‌کدام از این متون معنی «آفریدن» را تأیید نمی‌کنند». او در یادداشت پایانی هم روشن می‌سازد که هر چند بررسی متون اوستای نو موضوع مقاله‌اش نیست، اما در اوستای نو هم نشانه‌ای از دگرگونی این معنی نیست (ibid: 228). باید خاطر نشان کرد که منظور کلنز از آفریدن در اوستا «به وجود آوردن از هیچ» نیست، بلکه به نظر او آفریدن در اوستا «سر جای خود قرار دادن، نظم دادن» است.

گذرا به تاریخ نشر کتاب‌ها، تعداد کم منابع با تاریخ چاپ پس از سال ۲۰۰۰ میلادی توجه را جلب می‌کند که شاید علت آن این باشد که بخش عمده این کتاب‌نامه پیش از این تاریخ تهیه شده است و پس از آن به‌طور کامل به‌روز نشده است. در مجموع، مقدمه این کتاب را باید مقدمه‌ای فراتر از موضوع اصلی کتاب، یعنی اوستا، دانست که نویسنده آن تلاش می‌کند آگاهی‌هایی کلی را درباره زبان، تاریخ و فرهنگ دوره باستان و میانه زبان‌های ایرانی در اختیار خواننده قرار دهد، کاری که پیر لوکوک، با تسلط بر این موضوعات، توانسته در حد بسیار قابل قبولی از عهده آن برآید.

در بخش ترجمه، به ترتیب یشت‌ها، یسن‌ها، ونیدداد، ویسپرد، خرده‌اوستا، متون کوتاه و پاره‌ها ترجمه شده است. هر بند با شماره‌ای مشخص می‌شود و در پانویس همان صفحه، یادداشت‌های مربوط به آن هم آمده است و از این نظر خواننده به‌آسانی به یادداشت‌ها دسترسی پیدا می‌کند. در یادداشت‌ها، واژه یا جمله‌ای را که نیاز به توضیح داشته در گیومه نقل کرده و پس از آن تجزیه و تحلیل مربوط به آن را آورده است. در این بخش هم لوکوک روش معمول تجزیه و تحلیل را در پیش نگرفته است و به بارتولومه یا دیگر ایران‌شناسان ارجاعی نداده و از سوی دیگر، از هر نوع ورود به تجزیه و تحلیل‌های ریشه‌شناختی و بازسازی شکل هندوایرانی یا معادل ودایی کلمات خودداری کرده است. بیشترین تمرکز او بر مقایسه مفهوم بندهای مختلفی بوده که واژه مورد بحث در آنها به کار رفته است. شاید بتوان روش او را تأکید بیشتر بر «متن‌شناسی، فیلولوژی، فقه اللغه» (philologie) دانست.

در اینجا نیز او به‌طور غیرمستقیم به نقد و توضیح نظرها پرداخته است. برای نمونه، در تجزیه و تحلیل *moγu* در یسن ۶۵ بند ۷ (ص ۸۴۱) بدون ارجاع، نظر امیل بنونیست (BENVENISTE, 1938) را رد می‌کند. بنونیست این کلمه را در فهرستی از کلمات مربوط به اصطلاحات اجتماعی آورده و بر همین مبنا و با توجه به معنی سه کلمه دیگر در آن عبارت، این کلمه را «دوست، همراه» ترجمه کرده است. لوکوک نیز بر این مبنا که چون این کلمات در یک فهرست آمده‌اند باید معنایی در ردیف یکدیگر داشته باشند، این کلمات را رده‌های روحانیت شمرده و هر چند *moγu* را ترجمه نکرده است، مجبور شده برای کلمات

رُدار ضمن یادآوری اینکه این کتاب کاری بسیار ارزشمند و سترگ و در حقیقت سومین ترجمه، پس از حدود صد سال از نخستین ترجمه‌ها از کل اوستاست، یعنی ترجمه‌های دارمستتر و ولف، در بخش پایانی نقد خود به این نکته اشاره می‌کند که لوکوک در دو زمینه به پژوهش‌های اخیر توجه نداشته است: یکی پژوهش‌هایی که به‌طور عمده کلنز صورت داده و سپس آلبرتو کانترای پی گرفته و با توجه به بازنگری نسخه‌هایی که در دست است، دگرگونی‌هایی در ترتیب متن اوستا و نگاه محققان به متن اوستا به وجود آمده است؛ و دیگر طرحی که او خود یکی از پژوهشگران آن است و در آن تلاش می‌کنند که با نگاه به چگونگی برگزاری مراسم در دست‌نوشته‌ها، ابزار تازه‌ای برای فهم بهتر متون در اختیار پژوهشگران قرار دهند. او برای نمونه به پاره معروف به «پاره وسترگارد ۱» اشاره می‌کند که اگر به عنوان این متن در دست‌نوشته توجه شود، یعنی «نیرنگ جامه بریدن»، پژوهشگر درمی‌یابد که متن در چه موضوعی است و این می‌تواند به فهم بهتر متن کمک کند. او برای توضیح بیشتر، این عنوان را «نیرنگ برای بریدن کمر بند» ترجمه می‌کند و آن را در رابطه با سدره پوشی و «بریدن کشتی» پیش از بستن آن می‌داند (Redard, 2017: 387).

در اینجا بد نیست که توضیح دیگری در مورد این عنوان پیشنهاد شود. نویسنده این یادداشت در دو مقاله، یکی در معرفی یک دست‌نوشته (مرادیان، ۱۳۹۲: ۴۰۸) و دیگری در معرفی متن «سرور امشاسپندان شاه ورهرام ایزد است» (MORADIAN, 2014: 258, n. 29)، به آنچه می‌توان آن را «خواندن متون برای دعا و مناجات یا حاجت خواستن» نامید، در برخی از دست‌نوشته‌ها یا در آخر برخی از خرده‌اوستاها اشاره کرده است. این متون با موضوعاتی مانند رفع چشم‌زخم و بیماری، درخواست سلامتی یا خیر هنگام شروع کاری یا درخواست حاجتی پیوند دارند. عنوان «نیرنگ جامه بریدن» نیز در رابطه با جامه و لباس است، نه در رابطه با کشتی و مراسم سدره پوشی. «جامه بریدن» اصطلاحی است برای «لباس دوختن». هنوز هم معمول است که خیاطی که می‌خواهد لباسی را بدوزد، پیش از اینکه با قیچی پارچه را «ببرد»، جملاتی را برای آرزوی شادی و خوشحالی برای فردی که لباس برای اوست بر زبان بیاورد، مانند «به خوشحالی پیوشد»

haši- varəzāna- nāfiia- ترجمه‌های مراتب روحانیون را بیاورد! البته به نظر نویسنده این یادداشت با آنکه یکی از ویژگی‌های اوستا این است که در بسیاری از موارد نام‌هایی که از نظر معنی در رابطه با هم هستند در فهرستی می‌آیند (برای نمونه نک. یشت ۱۰، بند ۱۷ و ۱۸ (ص ۴۲۱) با دو فهرست، یشت ۱۳ بند ۸۸ (ص ۵۰۴) یا یسن ۳۱ بند ۱۸ (ص ۷۳۵))، اما شاید مهم‌ترین مشکل هر دو تحلیل این باشد که moγu در این بند لزوماً در پیوند با سه کلمه دیگر و عضوی از فهرست متشکل از آن سه کلمه در نظر گرفته شده است. احتمالاً در این بند باید این کلمه را مستقل از سه کلمه دیگر، که هر سه در یک ردیف معنایی هستند، در نظر گرفت.

در این یادداشت، ترجمه بخش‌های گاهان را، که به قول لوکوک «سخت‌ترین بخش‌ها برای تفسیر است» (ص ۲۶۴)، نمی‌توان از نظر دور داشت، هرچند بسیار کوتاه به آن می‌پردازیم. مهم‌ترین موضوعی که در این باره باید به آن اشاره کرد این است که لوکوک، هرچند از هلموت هومباخ به عنوان فردی نام می‌برد که کمک بسیاری به پژوهش‌ها در باره گاهان کرده است، اما روشن می‌سازد که برخلاف نگاه آیینی هومباخ به گاهان، او بخش عمده‌ای از این متن را متنی ایدئولوژیک می‌داند که در آن، زرتشت تفکر دینی و باورهای خود را در چارچوب شعر بیان می‌کند (ص ۲۶۶). به نظر نویسنده این یادداشت، این نگاه کمک کرده است که او بتواند تفسیر بهتری از متن ارائه دهد.



در پایان باید اشاره کرد که سلین رُدار (Redard, 2017) نیز نقدی بر این کتاب پیر لوکوک نوشته است. او مقدمه کتاب را بسیار مفید و مفصل خوانده که آگاهی‌های ارزشمندی در اختیار خواننده نامتخصص در زمینه زبان‌های ایرانی قرار می‌دهد، اما به این نیز اشاره کرده است که پرداختن به متون فارسی باستان یا صحبت از سرگذشت زبان‌های ایرانی در غرب یا سرگذشت دین مزدیسنی در رابطه مستقیم با موضوع اصلی کتابی نیست که در حقیقت ترجمه متن اوستاست. به نظر او این عنوان‌ها حداقل باید در بخش‌هایی مستقل ارائه می‌شدند که باعث سردرگمی خواننده ناآشنا نشوند (ibid: 386).

- vol. III. Paris.
- HOFFMANN, Karl & Bernhard FORSSMAN (2004). *Avestische Laut- und Flexionslehre*. Innsbruck.
 - KELLENS, Jean (2006). *Études avestiques et mazdéennes*. vol 1. Paris.
 - ----- (1998). "Considération sur l'histoire de l'Avesta". *Journal asiatique*, 286/2: pp. 451-519.
 - MODI, Jivanji Jamshedji (1937). *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay.
 - MORADIAN, Bahman (2014). "Le rôle eschatologique de Wahram dans la tradition Zoroastrien". *Penser la fin du monde*. sous la direction de Emma AUBIN-BOLTANSKI et Claudine GAUTHIER. Paris. pp. 247-266.
 - REDARD, Céline (2017). "Comptes rendus d'ouvrages". *Archives de sciences sociales des religions*, 62: pp. 385-388.
 - ----- (2016). "Préface". *Des contrées avestiques à Mahabad, via Bisotun*. Études offertes en hommage à Pierre Lecoq, réunies par Céline Redard, Neuchâtel, ix-x.
 - WOLFF, Fritz (1910). *Avesta. Die heiligen Bücher der Parsen*. Strassburg.

یا «هر ساله و همیشه». عنوان این پاره اوستایی نیز نشان می‌دهد که در گذشته، این دعا هنگامی که فردی قصد داشته لباس نو بدوزد خوانده می‌شده است. این یادداشت را با تکرار اهمیت کتاب مفصل و پر حجم پیر لوکوک در مطالعات ایرانی، به‌طور کلی، و در مطالعات اوستایی، به‌طور خاص، به پایان می‌آوریم.

منابع

- مرادیان، بهمن (۱۳۹۲). «دست‌نوشته‌ای نویافته از اوستا». در: رنج و گنج، ارج نامه دکتر زهره زرشناس. به‌کوشش ویدا نداف، فرزانه گشتاسب و محمدشکری فومشی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ص ۴۰۵-۴۱۰.
- BENVENISTE, Emil (1938). *Les mages dans l'ancien Iran*. Paris.
- BARTHOLOMEA, Christian (1904). *Altiranisches Wörterbuch*. Strassburg.
- DARMESTETER, James (1892-1893). *Le zend-avesta*.

